

مطبوعات خارجی

ایران، انرژی هسته‌ای و مطبوعات جهان

اشاره: موضوع سلاح‌های هسته‌ای ایران از موضوعاتی است که در ماه‌های گذشته، بخش عمده‌ای از خبرهای مطبوعات داخلی و خارجی را به خود اختصاص داده بود. قطعنامه جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ایران، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت. در این میان آنچه که مشهود می‌باشد، این مطلب است که ایران، قرب را در این رابطه متهم به فریبکاری می‌کند و از آن سو غرب نیز ایران را متهم به فریبکاری و تلاش برای دستیابی پنهان به سلاح‌های اتمی می‌کند. چندی پیش در جریان تلاش برخی از نمایندگان کنگره آمریکا برای تصویب قطعنامه‌ای که به تعلقات ایران از تعهدات خود براساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) اشاره داشت و سعی شده بود شرکای تجاری ایران، از جمله کشورهای اروپایی و ژاپن را به قطع سرمایه‌گذاری و همکاری با ایران در زمینه‌های نفتی و گازی ترغیب نماید، "کوسینچ" نماینده ایالت اوهایو در پاسخ به موافقان این قطعنامه از جمله "پرتون" از ایالت ایندیانا، لانتوس، تانکرو و شرمین، ضمن اشاره به بخش دوم قطعنامه، از تمام کشورهای عضو (NPT) از جمله ایالات متحده می‌خواهند تا از تمام ابزارهای مناسب برای بازداشتن و مایوس ساختن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای استفاده کنند، می‌گویند که در این بند از قطعنامه از عنصر "جنگ پیشگیرانه" استفاده شده که عبارت است از صحنه‌گذشتن تلویحی روی تغییر رژیم، چرا که "تمام ابزار مناسب" همان لحنی است که در قطعنامه مشترک شماره ۵۴ مجلس سنا که در ۱۹۹۸ در کنگره به تصویب رسید نیز به کار رفته بود. در آن زمان ما نمی‌دانستیم که چنین لحنی فقط ۵ سال بعد به عنوان تغییر رژیم در عراق مورد استنباط و تأیید کنگره قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر در این بند اقدام یکجانبه ایالات متحده مدنظر قرار گرفته و این یعنی این که آمریکا می‌تواند بدون ضرورتاً دریافت کمک از جامعه جهانی و بدون رضایت سازمان ملل، به طور یکجانبه عمل کند.

محمد البرادعی، دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز چندی پیش طی سخنانی در اسرائیل گفت که فرستادن پرونده اتمی ایران به شورای امنیت فایده‌ای ندارد، چرا که امکان این که این پرونده نیز در شورای امنیت به دلیل عدم توافق اعضا همچون پرونده کره شمالی مسکوت بماند، وجود دارد و همچنین احتمال خروج ایران از NPT نیز وجود خواهد داشت. البرادعی همچنین اشاره کرد که انرژی اتمی دو وجه دارد: نظامی و غیرنظامی. او گفت که "من خدا نیستم تا بدانم آیا ایران قصد بهره‌برداری نظامی از سلاح‌های خود را دارد یا خیر؛ چنانچه شما اسرائیلی‌ها سندی در این باره در دست دارید، ارائه دهید."

برای آگاهی بیشتر از نگاه رسانه‌های جهان به مسائل هسته‌ای ایران، بخش‌هایی از مقالاتی که در این زمینه در مطبوعات جهان نگاشته شده، از نظر خوانندگان می‌گذرد:

زیرا شاید تنها برای پوشاندن هدف حقیقی آورده شده باشد، که همان نگرانی آمریکا بر امنیت اسرائیل است و این که اسرائیل تنها کشوری است که می‌تواند این جنگ‌افزار یا این سوخت را داشته باشد.

موضع‌گیری آمریکا واکنشی به چند رویداد بود، یا دست‌کم در زمانی پیش نهاده شد که این رویدادها را به خود دید: نخست آزاد شدن دانشمندان هسته‌ای اسرائیل، مردخای واتونو، پس از هجده سال زندان در اسرائیل و تأکید وی بر لزوم نظارت بر برنامه هسته‌ای اسرائیل و تأکید وی به محمد البرادعی به گسیل هیئتی از سوی آژانس انرژی اتمی برای بازرسی و حقیقت‌یابی در رابطه با

جان بولتون، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، به صراحت گفت: "به نظر می‌رسد که ایران بی‌صدا و پنهانی مصمم به ادامه برنامه هسته‌ای نظامی خود باشد تا فن آوری‌های کلیدی مورد نظر خود را آسان‌تر به دست آورد." به اعتقاد وی و دیگر "عقاب‌های" دولت بوش، تردیدی وجود ندارد که چنانچه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته باشد اعتبار خود را حفظ نماید، دیر یا زود ناچار خواهد بود پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع نماید. اروپاییان تا به امروز در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت کرده‌اند، زیرا بر این اعتقاد بودند که گفت‌وگوی غیررضایت‌بخش با تهران بهتر از وادار کردن ایران به قطع آن

رازه‌های برنامه هسته‌ای ایران آیا ایران در برابر همکاری بیشتر غربی‌ها برای همیشه از دستیابی به بمب هسته‌ای صرف‌نظر کرده است؟ و یا به هر حال امکان دستیابی به وضعیت قدرت هسته‌ای منطقه‌ای را برای خود حفظ کرده است. هرچند خطر ایجاد بحرانی کلی در پیمان عدم گسترش سلاح هسته‌ای در خاورمیانه و آسیا را به وجود خواهد آورد؟ در حالی که در ماه اکتبر ۲۰۰۳ به نظر می‌رسید که رژیم اسلامی [ایران] انتخاب نخست را به دنبال تلاش‌های مشترک آلمان، انگلستان و فرانسه اختیار کرده باشد. نشانه‌های سخت‌تر شدن مواضع ایران هرچه بیشتر مشاهده می‌شود...

بوش و پرونده ایران

... بوش در سخنان خود روی دو نکته تأکید کرد: نخست آن که برنامه هسته‌ای ایران ثابت منطقه "خاورمیانه" را برهم می‌زند و دوم آن که امنیت اسرائیل را به خطر می‌افکند. نکته مهم‌تر نکته دوم است زیرا در متن سخنان بوش نیز با جمله‌هایی روشن‌تر آمده است: در حالی که نکته نخست مبهم است و شبهه‌برانگیز،

می‌باشد...
منبع: لوموند ۸ آوریل ۲۰۰۴
(۲۰ فوروردین ۱۳۸۳)
نویسنده: ژول استولتز

راکتور دیمونه، که منبع واقعی خطر برای منطقه "خاورمیانه" به شمار می‌رود. دوم، موضع‌گیری چندین طرف در جهان و اروپا و تأکید آنها بر نرمی موضع ایران و آمادگی تهران برای کشف همه برگ‌های این پرونده.

رویداد سوم نیز به گفته‌های رئیس‌جمهور ایران، [آقای] محمد خاتمی، ارتباط دارد. او از امریکا خواست که در کار واپس‌نشینی از عراق نیک بیندیشد. او اشاره کرد که ایران به آسانی عراق نیست و فروبردن آن یا تسلط بر آن، بدان آسانی که با کشورهای دیگر انجام گرفته، نیست...

گذشته از ابهامات موضع امریکا و تداخل‌های آن با منافع اسرائیل و نگرانی‌های تل‌آویو و تلاش آن برای بهره‌گیری از نگرانی‌های واشنگتن برای تحقق‌بخشیدن به هدف‌های خاص خود، موضع ایران بر اصول خود استوار است و این اصول را می‌توان بدین‌سان برشمرد:

۱. آمادگی برای گفت‌وگو و ادامه گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. ۲. حق تهران در داشتن نیروی دفاعی رویاروی تهدید اسرائیل و خطرهای خاسته از پیشرفت تل‌آویو در کار پیشبرد این سلاح. ۳. سرانجام نیاز راستین ایران به تولید انرژی سالم برای حفظ تعادل میان توسعه بازار داخلی آن و نیاز به جست‌وجو در پی منابع دیگر برای انرژی به‌جز نفت و گاز....

نیاز ایران به انرژی هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی ضرورتی حیاتی برای تضمین تعادل اقتصاد آن و توسعه یکتواخت و بی‌تنش آن در آینده است و واشنگتن به این مسئله، با همه اهمیت اقتصادی‌ای که دارد، از دیدگاهی امنیتی و درچارچوب برداشت اسرائیلی از منطق ثبات می‌نگرد و این

مشکلی است که تنها به استراتژی امریکا مربوط است و از آنچه بوش آن را نگرانی خود از برنامه هسته‌ای ایران بر ثبات "خاورمیانه" نامید بسیار دور.

منبع: الوسط، ۲۵ آوریل ۲۰۰۲
(۶ اردیبهشت ۱۳۸۲)

نویسنده: ولید نویسنده

ادامه دهد. زمانی فراخواهد رسید که دیگر بسیار دیر شده است و ایران سلاح هسته‌ای در اختیار دارد....

منبع: نیویورک سوتی، ۲۷ آوریل ۲۰۰۲
(۸ اردیبهشت ۱۳۸۲)
نویسنده: جان آر. بولتون

سلاح‌های هسته‌ای در ایران:
خیش گاوآهن یا شمشیر؟

... بحران ایران و بحران‌های مشابه آن در کره شمالی و همچنین در اطراف دکتر عبدالغفورخان، کارشناس هسته‌ای پاکستان، که اخیراً اعتراف کرد بازارهای سیاه هسته‌ای را اداره کرده است، موضوع محدودکردن تکثیر هسته‌ای را حالت اضطراری تازه‌ای بخشیده است. تکثیر هسته‌ای، خطر اصلی عصر اتم است. اخیراً، بازرسان بین‌المللی کشف کردند که کره شمالی ممکن است مقادیری اورانیوم را به‌طور پنهانی به لیبی داده باشد و این نشان می‌دهد که چگونه یک کشور آرزومند دستیابی به نیروی هسته‌ای می‌تواند پنهانی به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد....

اکنون، کارشناسان درباره موضوعی که زمانی تابو به‌شمار می‌رفت بی‌پرده سخن می‌گویند: کشورهایی که عملاً یا در معنا دارای سلاح هسته‌ای هستند یعنی ژاپن، آلمان، بلژیک، کانادا، برزیل، قزاقستان، تایوان و ده تا دوازده کشور دیگر که بر اصول بنیادی تولید انرژی هسته‌ای احاطه یافته‌اند، اگر بخواهند می‌توانند بی‌درنگ مرز ممنوعه را زیر پا بگذارند و سلاح‌های هسته‌ای تولید کنند، آن هم احتمالاً ظرف چند ماه به این هدف دست یابند. کارشناسان این حالت را موفقیت قاطع می‌نامند....

کشوری همچون ایران می‌تواند موقعیت خود دایر بر داشتن بالقوه سلاح اتمی و تهدید استفاده از آن را

حفظ کند، ولو آن که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسیدی دایر بر منزه‌بودن ایران از هرگونه تخلفی به آن کشور بدهد. آن نوع معما باعث شده است که بحث و جدلی گسترده‌تر در مورد شیوه‌های رعایت ایمنی نیروی هسته‌ای پدید آید، به‌ویژه با توجه به این‌که با شدت یافتن تدریجی نگرانی‌هایی در مورد گرم‌شدن هوای جو کره‌زمین و کمبود نفت، جهان ممکن است به نحو فزاینده‌ای به نیروی هسته‌ای متکی گردد....

ایران اعلام کرده است که می‌خواهد بر چرخه کامل سوخت هسته‌ای احاطه یابد، که به‌ظاهر فرآوری مجدد نیز در همان چرخه وجود دارد. سال گذشته، رئیس‌جمهور محمد خاتمی گفت که کشورش می‌خواهد سوخت نیروگاه‌ها را پردازش مجدد کند. او در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: "ما مصمم هستیم که از فناوری هسته‌ای برای مقاصد غیرنظامی استفاده کنیم...."

محمد البرادعی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درخواست دارد که تولید هر ماده‌ای که بتواند برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای به کار رود، در معرض نظارت و کنترل بین‌المللی و موسسات چندملیتی قرار گیرد. اگر این درخواست البرادعی پذیرفته شود، نتیجه امر عبارت از آن خواهد بود که هیچ کشور واحدی در جهان نمی‌تواند به‌تنهایی و به اتکای خویش به غنی‌سازی اورانیوم یا فرآوری مجدد پلوتونیوم مبارزت ورزد، بلکه تنها به صورت گروهی، همراه با چند کشور دیگر، خواهد توانست این کار را انجام دهد و اعضای هر یک از این گروه‌ها می‌توانند بر صداقت یکدیگر صحه بگذارند....

رئیس‌جمهور بوش مشی سرسختانه - تری در پیش گرفته است. او در سخنرانی ماه فوریه خود پیشنهاد کرد که تعداد کشورهایی که اجازه دارند

سوخت هسته‌ای تولید کنند تا حد چشمگیری محدود شود. او گفت تنها کشورهای که تاکنون از داشتن کارخانه‌های غنی‌سازی و فرآوری مجدد برخوردار شده‌اند می‌توانند به تولید سوخت هسته‌ای بپردازند و آنها نیز به نوبه خود باید به کشورهایی که آرزومند دست‌یافتن به نیروی هسته‌ای (برق اتمی) هستند سرویس بدهند. درحالی‌که بسیاری از کارشناسان توجه آقای بوش به مسئله منع تکثیر هسته‌ای را می‌ستایند، برخی از آنها به جزئیات سخنان او ایراد گرفته‌اند. آقای بان گفت: از سخنان وی تنها تهدید به گوش می‌رسد و از تطمیع هیچ‌گونه خبری نیست؛ و افزود که طرح بوش تنها بر خشم و نفرت جهانیان از باشگاه هسته‌ای (گروه کشورهای دارای نیروگاه‌های هسته‌ای) دامن خواهد زد. فکر می‌کنم که بتوان این سخنان را مورد جرح و تعدیل قرار داد تا حالت تهدیدآمیز آنها از بین برود...

منبع: نیویورک تایمز، ۲۵ می ۲۰۰۴ (۵ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: ویلیام برد

ایران و اتحادیه اروپا

این سوال مطرح است که آیا بریتانیا، فرانسه و آلمان که به سبب وعده‌های نقض شده ایران طی سال گذشته بارها به زحمت افتاده‌اند، آمادگی آن را دارند که موضعی حق به جانب و قاطعانه‌تر در پیش بگیرند یا خیر. نشانه‌ها دلالت بر آن دارند که اتحادیه اروپا ۳ با هر کوششی از جانب واشنگتن برای آن که آژانس اتمی را وادار سازد که ایران را رسماً ناقض تعهداتش دایر بر عدم تولید سلاح‌های هسته‌ای اعلام و معرفی نماید، به ضدیت خواهند پرداخت. کشورهای

اروپایی، در مقطع معینی ناگزیر خواهند شد که میان منافع تجاری خود در مشارکت‌دادن رژیم ایران و ضرورت اعتبار واقعی قائل شدن برای پیمان منع تکثیر هسته‌ای به منزله یک وسیله ایمنی در مقابل تولید سلاح‌های اتمی توسط کشورهای خودسر دست به انتخاب بزنند. وقت در حال سپری شدن است و چیزی نمانده که برای این‌گونه چاره‌اندیشی‌ها کار از کار گذشته باشد.

منبع: واشنگتن تایمز، ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ (۲۱ خرداد ۱۳۸۳)
سرمقاله

واشنگتن گسترش استفاده غیر نظامی از نیروی هسته‌ای را متوقف می‌سازد

... بوش روز ۱۱ فوریه پیشنهاد کرده بود که برای مبارزه با خطر تکثیر سلاح اتمی، از جمله اقدامات دیگر، تسلط بر چرخه هسته‌ای در اختیار کشورهایی که هم‌اکنون آن را صاحب هستند باقی بماند. این تفکر وجود دارد که هرچند فن‌آوری و تجهیزات به وسیله قدرت‌های هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی فروخته می‌شود (تولید انرژی)، اما کشورهای مقصد ممکن است این دانش فنی را برای ساخت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار بدهند. بنابراین بهتر است که این نوع انتقال‌ها کاملاً متوقف شود.

فرانسه که به انتشار انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز علاقه‌مند است این ممنوعیت را رد کرد. پاریس به قرارداد منع گسترش هسته‌ای ارجاع می‌دهد که حق همه کشورها را به دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در ازای صرف‌نظر کردن قابل تأیید از مصارف نظامی تضمین می‌نماید. یک نهاد سازمان ملل، آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی، مأمور کنترل اجرای تعهدات می‌باشد.

درگیری فرانسه و آمریکا از سال آینده از سر گرفته خواهد شد. برای بازبینی قرارداد منع گسترش هسته‌ای مربوط به سال ۱۹۶۸ یک کنفرانس بین‌المللی در سال ۲۰۰۵ تشکیل خواهد شد. فرانسه، به گفته کاخ ریاست جمهوری، حاضر شده است که تنها 'درجهت مسیر تعیین شده' به وسیله آمریکا یعنی تقویت معیارهای صادرات کار بکند...

ایران که مظنون به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است، بازرسی‌های سرزده کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفته است؛ اما در ازای آن خواهان دریافت کمک برای تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز می‌باشد...

منبع: فیهارو، ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ (۲۱ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: لوک دوپاروشز

قمار هسته‌ای ایران ...

... ۶۶ عضو سنای آمریکا و ۲۰۹ عضو مجلس نمایندگان آن کشور اخیراً نامه‌ای برای رئیس‌جمهور بوش ارسال کردند و در آن نامه به وی گوشزد نمودند که برنامه هسته‌ای ایران را به نقطه تمرکز و کانون توجه عمده در کنفرانس سران کشورهای طراز اول صنعتی جهان، مبدل سازد. در این نامه چنین می‌خوانیم: 'برای متوقف کردن ایران در راهی که می‌پیماید، قبل از آن که جهان ناگهان متوجه شود که حامی طراز اول تروریسم بین‌المللی دارای توانایی تولید یک سلاح هسته‌ای می‌باشد، دچار ضیق وقت هستیم.'

اکنون وقت آن است که پیامی واضح و شفاف و عاری از هرگونه

ابهامی برای اسلام‌گرایانی که کشور ایران را اداره می‌کنند ارسال شود و محتوای آن پیام بدین شرح خواهد بود: دنیا عضو تازه دیگری را در باشگاه سلاح‌های هسته‌ای نخواهد پذیرفت و کشورها به هر وسیله ضروری جهت جلوگیری از چنین رویدادی متوسل خواهند شد. ایران باید متقاعد گردد - همان‌گونه که لیبی نیز متقاعد گردیده - که جست‌وجو برای دستیابی بر سلاح‌های هسته‌ای هیچ‌گونه تضمینی برای بهره‌مندشدن از قدرت به شمار نمی‌رود، بلکه مسیری برای انزوا و نابودی است.

منبع: شیکاگو تریبون، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴ (۲۴ خرداد ۱۳۸۳)

اگر ایران ظرف یک یا دو سال آینده هسته‌ای شود، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نباید مقصر قلمداد کرد. اوایل همین ماه جاری، گروه تحت سرپرستی محمد البرادعی در سازمان ملل گزارش دیگری را درخصوص [ایران] انتشار داد و در آن الگویی از عدم همکاری را تشریح نمود که تقریباً جریان داشتن یک برنامه تولید بمب را با صدای بلند فریاد می‌کشد. اما جامعه بین‌المللی که به ظاهر به تصمیمات دولت بوش تن داده است، کل این قضایا را با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی تلقی می‌کند...

سال گذشته، آمریکا به منظور ادای احترام به اروپایی‌ها که به عنوان واسطه و میانجی جهت عقد یک قرارداد بازرسی با ایران عمل می‌کردند، قراردادی که از هنگام منعقدشدن تاکنون [حکومت ایران] مفاد آن را زیر پا نهاده است و هیچ اقدام تلافی جویانه‌ای نیز علیه آنان به عمل نیامده است، تصمیمات خود را در این زمینه به تعویق افکند. به عبارت دیگر، مسیر

دیپلماتیک "چند طرفه" کارایی خود را از دست داده است. مسئله اینجاست که آیا هیچ شخصیت مهمی این واقیبت را تصدیق خواهد کرد یا نه...

منبع: وال استریت ژورنال، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۲
(۲۵ خرداد ۱۳۸۱)

امریکا از دیرباز تقاضا داشته است که مسئله ایران به شورای امنیت سازمان ملل جهت به اجرا درآوردن تحریم‌های امکان‌پذیر ارجاع شود. اروپایی‌ها توسل جستن به تهدید ایران در همین محدوده را جهت پشتیبانی از ایران برای آن که در مسیر همکاری با آنان گام بردارد، ترجیح می‌دهند. آنان اعتقاد دارند که با حفظ اتفاق آرای بین‌المللی، [ایران] را می‌توان بیش از همیشه در تنگنا قرار داد و آن قدر باید در این راه مداومت کرد تا آنان به نقطه‌ای برسند که به این استنتاج دست یابند که ادامه‌دادن گزینه تولید سلاح‌های هسته‌ای بیش از اندازه هزینه برمی‌دارد، یا ایرانیان آن چنان قوانین و مقررات را نقض می‌کنند که جلب حمایت از یک اقدام نظامی تلافی‌جویانه آسان‌تر از سیاست‌ها و اقدامات دیگر خواهد بود.

یک مقام بلندپایه بریتانیایی می‌گفت: "ایران یک مسئله میان‌مدت است." اما این بازی آزمایش صبر و شکیبایی استراتژیک طرفین بر یک فرضیه کلیدی استوار است و آن عبارت از این است که ایران هنوز هم تا رسیدن به مرحله داشتن یک بمب اتمی سال‌ها فاصله دارد و دیگر این که برنامه هسته‌ای بر اثر بازرسی‌های کنونی به طرز موثری دچار وقفه شده است...

تهران اگر آرمان‌های دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای یا تولید آنها را

برای همیشه کنار بگذارد و به کنترل‌های سخت بین‌المللی تن در دهد، سزاوار است که از کمک‌های فنی دیگر کشورها برای تولید نیروی هسته‌ای جهت تولید برق بهره‌مند شده و از این بابت اطمینان خاطر مطلق به‌دست آورد. به تهران می‌توان همچنین تضمین داد که در معرض حمله ایالات متحده قرار نخواهد گرفت. امریکا حاضر است این اطمینان امنیتی را به کره شمالی نیز بدهد و با وجود ابطال آشکار پیمان منع تکثیر هسته‌ای توسط پیونگ یانگ، در حال مذاکره با کره شمالی است. دلیل موجهی در بین است که امریکا مذاکرات خود با ایران را آغاز کند. در حال حاضر ایران مهم‌ترین قدرت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس به‌شمار می‌رود. امریکا با استقرار نیروهای خود - هم در افغانستان و هم در عراق - همسایه کاملاً دیوار به دیوار ایران شده است و همسایگان متخاصم می‌توانند زندگی را بر انسان جهنم کنند.

منبع: دیلی تلگراف، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۲ (۲۵ خرداد ۱۳۸۱)
نویسنده: آنتون لاگوردیا

پیچ و خم‌های هسته‌ای تهران ... برای خروج از بن‌بست جورج بوش رویای ارجاع پرونده را به شورای امنیت در سر می‌پرورانند؛ که در این صورت سازمان ملل ممکن است مشاهده نماید که ایران پیمان منع گسترش را نقض کرده است و باید در چنین صورتی تحریم‌هایی مانند آن که صدام حسین را اوباش و متهم اعلام کرد تصویب کند. اما برای آن که این کار در ظاهر یک انتقام‌جویی شخصی رئیس‌جمهور امریکا به نظر نیاید، واشنگتن میل دارد این اقدام از سوی

آژانس انجام بگیرد. برعکس، آژانس وین که یک نهاد فنی است تا سیاسی، ترجیح می‌دهد همه راه‌ها را امتحان کند...

منبع: فوگارو، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۲
(۲۶ خرداد ۱۳۸۱)
نویسنده: شارل لامبروشینی

... ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفت: "نظر ما آن است که آژانس اتمی تاکنون ۱۸ سال فعالیت سری هسته‌ای ایران را با ذکر سند و مدرک به‌صورت مستند ثبت کرده است. تهران بارها از بیان جنبه‌های مهم برنامه هسته‌ای خود قصور ورزیده است. این برنامه به سبب مداخلات و بازرسی‌های گوناگون دچار وقفه‌های متعدد شده است و ایران از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حل و فصل مسائل باقی‌مانده، مرتبط با برنامه هسته‌ای آن کشور قصور ورزیده است."

بخش اعظم بحث‌ها و جدل‌های اجلاس وین حول این محور چرخیده است که آیا این آژانس باید ضرب الاجلی برای ایران جهت همکاری‌اش با جامعه بین‌المللی قائل شود؟ چیزی که ایالات متحده خواستار آن بوده است. دکتر البرادعی خواستار تعیین یک ضرب‌الاجل نشده است، هرچند بیانات او خطاب به هیئت رئیسه آژانس بین‌المللی دلالت بر آن داشته است که وی صبر و شکیبایی خود را از دست داده است...

ایران می‌گوید که با آژانس اتمی همکاری کرده است و تأکید دارد که فعالیت‌هایش به قصد تولید انرژی هسته‌ای که از نظر تجاری مقرون به‌صرفه باشد به انجام می‌رسد...

منبع: نیویورک تایمز، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۲
(۲۶ خرداد ۱۳۸۱)
نویسنده: مارک لندنر

ایران: انرژی هسته‌ای و جنگ روانی

... آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تابستان گذشته فشارهایش را بر ایران برای امضای توافقنامه الحاقی به پیمان منع گسترش انرژی هسته‌ای و پذیرش بازدیدهای سرزده تشدید کرده است. از طرفی، ایالات متحده از اشغال عراق در آوریل ۲۰۰۳ و حضورش در آن کشور برای اعمال هرچه بیشتر فشارهای بین‌المللی علیه ایران بهره‌برداری نمود. ایران برای در امان ماندن از تشکیل یک جبهه بین‌المللی علیه خود و احاله پرونده هسته‌ای‌اش به شورای امنیت بین‌المللی امضای توافقنامه الحاقی را پذیرفت و از حضور وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی انگلستان و فرانسه و آلمان در اکتبر گذشته در تهران استقبال نمود و اعلام کرد که موقتاً روند بازرسی‌های اورانیوم را متوقف کرده است، مشروط بر این که از کمک‌های این کشورها در ادامه این بازرسی‌ها برای اهداف سلامت‌آمیز برخوردار شود.

توافق میان تهران و آژانس بین‌المللی به ۶۶۴ بار بازدید از تأسیسات هسته‌ای ایران ظرف یک سال و ارائه گزارش ۱۰۰۰ صفحه‌ای ایران در مورد فعالیت هسته‌ای‌اش انجامید... تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هرچه باشد، تا زمانی که دشمنی میان ایران از یک سو و ایالات متحده و هم‌پیمانانش از سوی دیگر به قوت خود باقی است، جنگ روانی میان ایران و آژانس و امریکایی‌ها و اروپایی‌ها ادامه خواهد یافت. ناظران بسته‌شدن پرونده هسته‌ای ایران را،

آن گونه که تهران می‌خواهد، دور از انتظار می‌دانند و حتی پیش‌بینی می‌کنند که آژانس در بدترین حالات تصمیم بگیرد که پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت احاله نماید و در بهترین حالات عملیات بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران ادامه یابد و مجلس ایران با توافقنامه الحاقی به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موافقت نماید....

منبع: الشرق، ۱۶ ژوئن ۲۰۰۴
(۲۷ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: یوسف هزیزی

خطر هسته‌ای در ایران

... دولت بوش پیشنهاد کرده است به منظور جلوگیری از فریبکاری کشورها، منع صادرات جهانی در مورد فن‌آوری نیروی هسته‌ای به اجرا درآید. لیکن متحدان اروپایی آمریکا در اجلاس هشت کشور صنعتی که در ماه جاری برگزار شد، فقط با ممنوعیت یک‌ساله موافقت کردند. این یک شروع است اما اقدامات بیشتری در جهت جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای منطقه‌ای و افتادن این قبیل سلاح به دست تروریست‌ها ضروری است. در حال حاضر حمله ایالات متحده آمریکا به تأسیسات ایران یا کره شمالی با توجه به تجربه این کشور در عراق بعید به نظر می‌رسد. بهترین راه حل، راه حل دیپلماتیک است.

منبع: کریستین ساینس مانیور، ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴ (۲۸ خرداد ۱۳۸۳)
سر مقاله

چالشی از سوی ایران

... رئیس‌جمهور آینده آمریکا که هیچ گزینه آشکاری برای تهاجم

نظامی ندارد با این احساس فزاینده در میان اروپاییان روبه‌رو خواهد بود که بهترین استراتژی موجود احتمالاً این می‌باشد که دست ایران را از سلاح هسته‌ای تمام عیار ساخته شده و استقرار یافته کوتاه کنند.

در آن صورت، ایران مشابه پاکستان خواهد شد که در سال ۱۹۸۹ در مرحله نهایی فعالیت خود را متوقف کرد، اما ظرف نه سال بعد در واکنش به آزمایش هسته‌ای هند، نخستین بمب هسته‌ای خود را آزمایش نمود. تلاش دیپلماسی بین‌المللی از سال ۱۹۹۸ تاکنون جلوگیری از استقرار سلاح هسته‌ای توسط هند و پاکستان بوده است.

ایران یک معضل مجسم و تکان‌دهنده سیاست خارجی است که عامل نگرانی رأی‌دهندگان به شمار می‌رود. کُری و بوش باید دست به کار شوند و به صراحت اقداماتی را که می‌تواند این بحران را از وخیم‌تر شدن در خلال مبارزات انتخاباتی بازدارد، بیان نمایند. این امر هر یک از نامزدها را وادار می‌سازد که درباره آینده به تفکر بنشینند و به رأی‌دهندگان فرصت می‌دهد تا قضاوت هر یک از نامزدها را به هنگام عمل مشاهده نمایند.

اعتبار دولت بوش در رابطه با عراق آن قدر تنزل کرده که تا به حال کُری برای کسب امتیاز کافی بود که نام عراق را بر زبان بیاورد. به نظر می‌رسد انتقادهای او، در نتیجه فجایی که در صفحات اول روزنامه‌ها و صفحات تلویزیون منعکس می‌شود، روزه‌روز اعتبار بیشتری می‌یابد. کُری با تحت الشعاع قراردادن محتاطانه سیاست‌های بوش و محکوم کردن اجرای آنها، ماهرانه تلاش می‌کند از استفاده از امتیازی که عراق به رئیس‌جمهور می‌دهد در این برهه اجتناب نماید.

راه‌حل‌هایی آزمایش نشده (و غیر

واقع‌گرایانه) کُری در مورد دخالت و همکاری بیشتر فرانسه و آلمان و تأمین آموزش بهتر برای عراقی‌ها فقط در مقایسه با شکست‌های اخیر بوش معتبر به نظر می‌رسد. کُری می‌تواند با تکیه بر اقداماتی که بوش انجام داده و به‌ظاهر با شکست روبه‌رو شده از پاسخ‌دادن به سوالات مربوط به کارهایی که در عراق انجام خواهد داد، طفره رود....

منبع: واشنگتن پست، ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴
(۲۸ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: جیم هوگلدن

زمستان هسته‌ای بر فراز وین

... تا چندی پیش در دو ساحل آتلانتیک در قبال "پرونده اتمی" ایران دو نظریه مطرح بود. اروپا و به‌ویژه فرانسه، آلمان و بریتانیای کبیر مخالف بسته‌شدن این پرونده نبودند. اما ایالات متحده آمریکا تحویل اسناد مربوط برای بررسی شورای امنیت سازمان ملل متحد و طبیعتاً اعلام تحریم‌هایی علیه تهران را خواستار بود.

اما در هفته‌های اخیر به نظر می‌رسید که هم اروپا و هم آمریکا از این جهت به توافق رسیده‌اند. ژاک شیراک نیز مانند جورج بوش در جریان دیدار غیررسمی اخیر "هشت کشور بزرگ" در قبال رژیم ایران عبارات خشنی را به کار برد. بنابراین، نباید تعجب کرد که اله‌رادی معمولاً محتاطاً، کنترل اعصاب خود را از دست داده و خواستار "تحت فشار قراردادن" دولت تهران شود....

منبع: راسیسگایا گزته، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴
(۲۹ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: آنتونی شهادالف

... همان گونه که پیش از این در ماه اکتبر [مهر] گذشته رخ داد یعنی زمانی که نمایندگان فرانسه، آلمان و انگلستان در یک حرکت ناگهانی و هماهنگ موفق به کسب امضای توافقنامه الحاقی پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) توسط تهران شده بودند در بحث‌هایی که در روزهای اخیر صورت گرفت این سه کشور اروپایی موضع میانجی‌گرانه خود را حفظ نمودند و کوشیدند از حملات دیپلماتیک واشنگتن جلوگیری به عمل آورند. قطعنامه‌ای که چندی پیش به اتفاق آرا به تصویب رسید حاصل این تلاش‌هاست.

منبع: لیل مایستو، ۱۹ ژوئن ۲۰۰۴ (۳۰ خرداد ۱۳۸۳)
نویسنده: استفانو لیرینی

... ایالات متحده اکنون با مشکلات متعددی دست به‌گریبان است. مهم‌ترین آنها مشکلات داخلی در ارتباط با کنتره‌گیری رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) و بروز نابسامانی‌هایی در دستگاه‌ها و برخی وزارتخانه‌ها، مسئله عراق، رسوایی زندان ابوغریب که هنوز در دولت آمریکا و افکار عمومی آمریکایی کنش و واکنش‌هایی دارد و مشکل افزایش غیرمنتظره بهای نفت است. افزون بر تمام اینها، دولت آمریکا در آستانه حساس‌ترین و خطرناک‌ترین مرحله یعنی زمان برگزاری انتخابات [ریاست جمهوری] آمریکاست که باید از هم‌اکنون تا نوامبر آینده خود را برای آن آماده سازد. علاوه بر اینها، مشکلات فراوان دیگری نیز وجود دارد. روی همین اصل، واشنگتن نمی‌تواند تهران و پرونده هسته‌ای آن را تحت پیگرد قرار دهد؛ بنابراین، می‌بینید که اروپایی‌ها را "خجالت

می‌دهد، و حتی فرانسه، آلمان و انگلستان را تحت فشار می‌گذارد تا در یک تصمیم‌گیری علیه تهران به دلیل نعلل آن در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حضور فعال داشته باشند....

منبع: الزمان، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴

(۲۱ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: سمیرا عید

... بحران هسته‌ای هیچ‌گاه از نظر دیپلماتیک حل و فصل نخواهد شد، مگر آن‌که همه کشورهای دنیا با صدای واحدی سخن گویند. برای کشورهای مبتدی در عرصه امور هسته‌ای باید گفته شود که آژانس اتمی چاره‌ای ندارد جز آن‌که بی‌درنگ ضرب‌الاجلی برای همکاری‌های کامل از جانب ایران تعیین کند. کشورهای اروپایی و روسیه دارای روابط مستحکم‌تر تجاری با ایران هستند و آنها باید از آن قدرت و نفوذ جهت تحت فشار گذاشتن ایران استفاده کنند....

منبع: شیکاگو تریبون، ۲۲ ژوئن ۲۰۰۴

(۲۲ خرداد ۱۳۸۳)

سرمقاله

لحظه سرنوشت‌ساز هسته‌ای

... اگر به ایران اجازه داده شود که بتوان غنی‌سازی اورانیوم به دست آورد، تقریباً تصویری غیرممکن است که بتوانیم سایر کشورها را از ایجاد یک چنین توان غنی‌سازی، که در نهایت توان تولید مواد نوع تسلیحاتی برای سلاح‌های هسته‌ای را به دست خواهند آورد، باز بداریم.

ما در لحظه سرنوشت‌ساز قرار داریم. آیا ما در اقداماتمان به منظور جلوگیری از منع ازدیاد هسته‌ای جدی

هستیم یا این‌که می‌خواهیم شاهد فروافتادن جهان در گردابی باشیم که مواد هسته‌ای نوع تسلیحاتی فراوان و توان ویرانگری غیرقابل تصور در اختیار هر کشور یا گروهی که با جامعه سرناسازگاری دارد، قرار بگیرد؟...

پنج قدرت [ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان و روسیه] باید اعلام کنند که آماده‌اند طبق مقررات ایمنی مناسب در توسعه توان تولید برق هسته‌ای همکاری تمام و کمالی با ایران داشته باشند. آنها می‌توانند پیشنهاد کنند که تأمین سوخت هسته‌ای کافی برای رآکتورهای برق ایران را به نرخ مطلوب تضمین می‌نمایند، مشروط بر آن‌که سوخت هسته‌ای مصرف شده را از ایران بازپس گیرند. در ازای آن، از ایران می‌خواهند که از هرگونه اقدامی در جهت غنی‌سازی اورانیوم یا فرآوری مجدد سوخت هسته‌ای مصرف شده دست بردارد.

باید اذعان داشت که از نظر ایالات متحده آمریکا این پیشنهاد دشواری است و لازمه آن این است که این کشور دیگر نگرانی‌های جدی درباره طیفی از عملکرد ناخوشایند ایران را کنار بگذارد. لیکن منافع منع ازدیاد آن قدر زیاد است که آنها می‌توانند این قضیه را به طور جداگانه مورد توجه قرار دهند....

هرچند موضوع ایران از فوریت خاصی برخوردار است اما ما نمی‌توانیم به صورت انفرادی با آن برخورد کرده و در کارمان موفق شویم. برزیل به مانند ایران اعلام کرده است که قصد احداث تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را دارد. اگر ما به برزیلیا جواز عبور دهیم و در همین حال سد راه تهران شویم، این کار نه تنها پیام غلطی به تکثیرکنندگان آینده ابلاغ خواهد کرد بلکه چشم‌انداز هرگونه موفقیت در قبال تهران را هم شدیداً محدودتر

خواهد نمود.

کوتاه‌آمدن در برابر برنامه غنی‌سازی برزیل این نتیجه را دربرخواهد داشت که ما مشتاقان نیروی هسته‌ای را به دو دسته آدم‌های خوب و آدم‌های بد تقسیم می‌کنیم. چنین رویکردی سلاح قدرتمندی برای ایران - که تلاش می‌کند حمایت بین‌المللی را برای برنامه 'صلح‌آمیز' هسته‌ای خود کسب کند و ما را در برابر کشورهای اروپایی و روسیه قرار دهد - فراهم می‌آورد....

منبع: واشنگتن پست، ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴

(۲۴ خرداد ۱۳۸۳)

نویسنده: برنت اسکوکرافت

* برنت اسکوکرافت مشاور امنیت ملی

رئیس جمهوری‌ها جرالد فورد و جورج بوش پدر

بود. او در حال حاضر رئیس مجمع

سیاست‌گذاری بین‌المللی است.

روند پروژه‌های هسته‌ای ایران

ایران را نمی‌توان وادار ساخت تا از اطلاعات و دانشی که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون گردآوری کرده، چشم‌پوشی کند. ایران در زمره نخستین کشورهای در حال توسعه بود که خود را با جهان مخوف دانش هسته‌ای آشنا ساخت. اولین رآکتور ایران در سال ۱۹۵۵ در تهران ایجاد شد و نخستین گروه از ایرانیان که عازم اروپا و آمریکا شده بودند تا در رشته فیزیک هسته‌ای و رشته‌های مربوطه تحصیل کنند در اوایل دهه ۱۹۶۰ به کشور بازگشتند.

در اواسط دهه ۱۹۷۰ ایران جمعی از دانشمندان هسته‌ای تحصیل کرده و بانگیزه داشت که امکانات مالی دولت از آنها پشتیبانی می‌کرد و آنها مسئولیت تحقیق و پژوهش در همه زمینه‌های فن‌آوری جدید از جمله کاربرد نظامی آن را برعهده گرفتند. انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ بسیاری

از دانشمندان ایرانی را ناگزیر از آن ساخت که به تبعید بروند و فعالیت برنامه هسته‌ای کشور تا سال ۱۹۹۰ متوقف شد. از آن زمان تاکنون، ایران کلیه جنبه‌های برنامه هسته‌ای را احیا و نیروهای جدیدی را در این زمینه آموزش داده است.

دومین موردی که نمی‌توان در مورد ایران انجام داد سلب حق ایران برای تولید و کاربرد انرژی هسته‌ای است. نیاز به چنین انرژی در اوایل دهه ۱۹۷۰ احساس شد و آن زمانی بود که پیش‌بینی‌ها حکایت از آن داشت که ایران - که اقتصادش در آن زمان به‌طور میانگین سالانه ۸ درصد رشد داشت - ممکن است همه نفت تولیدشده را تا سال ۲۰۱۰ صرف مصرف داخلی کند. تنزل اقتصادی ایران که پس از انقلاب، جنگ و مهاجرت میلیون‌ها ایرانی ماهر پدید آمد، این پیش‌بینی‌ها را تغییر داد.

لیکن نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که اگر ایران بار دیگر در مسیر رشد اقتصادی قرار گیرد، برای حفظ صدور نفت به‌عنوان منبع درآمد ارز خارجی به منابع دیگر انرژی نیازمند خواهد بود؛ تولید انرژی هسته‌ای یکی از این گزینه‌هاست. رژیم پیشین چنین تصمیمی را اتخاذ کرده بود و سیاست جمهوری اسلامی از سال ۱۹۸۹ هم همین بوده است. هر چند بعضی از ایرانیان عمده‌تاً به دلیل مسائل زیست‌محیطی با گزینه انرژی هسته‌ای مخالفت می‌کنند اما این برنامه بیش از سه دهه است که مورد حمایت مستمر مردمی قرار دارد.

سومین کاری که ما نمی‌توانیم انجام دهیم این است که دایره فن‌آوری هسته‌ای ایران را به دو قسمت نظامی و غیرنظامی تقسیم کنیم. این کار شدنی نیست. همه

کشورهایی که پایگاه هسته‌ای غیرنظامی دارند، در صورتی که تصمیم بگیرند قادرند وارد محدوده نظامی فن‌آوری هسته‌ای بشوند. این حقیقت برای سیاستگذاران رژیم شاه کاملاً شناخته شده بود. راهبرد ایران در آن زمان این بود که آنچه را که "افزایش توانمندی" نامیده می‌شود، ایجاد کند؛ یعنی دانش، زیرساخت و پرسنل مورد نیاز برای توسعه توانمندی نظامی هسته‌ای را در مدت کوتاهی در اختیار داشته باشند بدون آن‌که عملاً برای رسیدن به این هدف گام بردارد. در آن زمان هیچ زمان‌بندی خاصی صورت نگرفت اما نخبگان سیاستگذار فرض را بر آن قرار دادند که ایران باید در موقعیتی قرار گیرد که بتواند ظرف هجده ماه به تولید و آزمایش سلاح هسته‌ای دست بزنند.

با این حال، در زمان شاه ایران درحقیقت متعهد بود که در راستای خلع سلاح هسته‌ای فعالیت کند. ایران برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در منطقه حوزه دریای خزر، خلیج فارس و خاورمیانه بزرگ‌تر تلاش کرد. تلاش‌های ایران گاه و بی‌گاه از سوی ایالات متحده آمریکا مورد حمایت قرار می‌گرفت. اما با مخالفت اتحاد جماهیر شوروی - که مایل نبود سلاح‌های هسته‌ای‌اش را از اراضی مجاور منطقه فوق جمع‌آوری کند - روبه‌رو می‌شد.

در آن موقع، هم مسکو و هم واشنگتن موضع ملایمی در قبال برنامه هسته‌ای ایران نشان می‌دادند، زیرا آنها می‌دانستند که رژیم شاه قصد تولید بمب هسته‌ای ندارد، چه رسد به کاربرد آن علیه کشور دیگر در یک جنگ تجاوزکارانه!

(آخرین باری که ایران آغازگر جنگ بوده به دهه ۱۸۵۰ بازمی‌گردد. در آن زمان ایران تلاش کرد شهر هرات را که به دست افغان‌ها افتاده بود بازپس گیرد اما موفق نشد.) ...

ایران در حال گذر از بحران است. نیمی از ساختار ذهنی ایران هنوز هم رویای فتح جهان با اسلام سبک خاص خود را در سر دارد. این ایران مصمم است زرادخانه هسته‌ای داشته باشد صرفاً به این دلیل که خود را در برابر فشار و اقدام نظامی از سوی دشمنان منطقه‌ای و فراتر از آن بیمه نماید.

جمهوری اسلامی به توانمندی هسته‌ای نیاز دارد تا در صورتی که هر کشوری - به‌طور مثال ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل - تصمیم به حمله نظامی تنبیهی برای محدودساختن جاه‌طلبی‌های این کشور بگیرد، ایران مخاطرات چنین اقدامی را افزایش دهد. این دقیقاً همان راهبردی است که کره شمالی از اواسط دهه ۱۹۹۰ اتخاذ کرده است. نیمه دیگر ساختار ذهنی ایران نماد یک دولت ملی است که سعی دارد تجربه انقلابی‌اش را تحلیل کرده و بار دیگر به‌عنوان بازیگر عادی در جریان اصلی حیات بین‌المللی پدیدار گردد. اگر روزی روزگاری این نیمه بر نیمه دیگر غلبه یابد، تأثیر چندانی ندارد که ایران توانمندی هسته‌ای خود را افزایش بدهد یا نهد. سوال اصلی این است که جهانیان با چه نوع ایرانی می‌توانند همزیستی کنند، نه این‌که جمهوری اسلامی خواهان دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است یا نه.

منبع: وال استریت ژورنال، ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲ (۵ تیر ۱۳۸۲)

نویسنده: اردشیر زاهدی

* اردشیر زاهدی بین سال‌های ۱۹۶۷ تا

۱۹۷۱ وزیر خارجه ایران بود و در آن زمان به لایه‌ای از طرف کشورش پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرد.

... آمریکا تقریباً دوسال است که به ایران مشکوک شده است و گمان می‌کند که ایران در خفا مشغول ساختن یک بمب هسته‌ای تحت پوشش یک برنامه تولید انرژی هسته‌ای بوده است.

در واشنگتن، مشاور امنیت ملی، کوندالیزاریس چندی پیش به شبکه خبری فاکس نیوز گفت که معتقد است هنوز هم راه‌حلی دیپلماتیک می‌توان برای این قضیه فراهم کرد. لیکن، او همچنین افزود که ایرانیان همه روزه اعتراض دارند به این که چرا ایالات متحده در مورد آنها تا این اندازه سخت‌گیری کرده است و چرا رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی سالانه‌اش خطاب به کنگره و ملت هنگام سخن‌گفتن از عراق، کره شمالی و ایران، ایران را نیز مانند آن دو کشور یکی از تشکیل‌دهندگان محور شرارت نامیده است. ما با شفافیت بسیار بیان کرده‌ایم که این کشورهای خودسر که جوایز سلاح‌های کشتار جمعی هستند یک منشأ خطر محسوب می‌شوند.

اسکات مک کلان، سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: ایران مجبور است در صورتی که خلاقی مرتکب نشده است مبرابودن خود از هرگونه تخلفی را به اثبات برساند و با اجرای تکالیف بین‌المللی، همکاری‌های تمام‌عیار خود را با سایر نهادها در سطح بین‌المللی ادامه دهد.

منبع: نیویورک سن، ۲۸ ژوئن ۲۰۰۲ (۸ تیر ۱۳۸۲)

نویسنده: ایلا لیپک

... تهران توافق انجام گرفته به گروه سه‌تایی اتحادیه اروپا در اکتبر سال گذشته را چنین تفسیر می‌کند که کشورهای مزبور اکنون باید در صورتی که ایران درمقابل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی شفافیت به‌خرج دهد، مراسلات فن‌آوری ر براساس معیارهای مقررات سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به جریان اندازند. با این حال، بنا به توضیحات ایران، تا امروز از این همکاری در حوزه فن‌آوری خبری نبوده است. ... تهران تهدید کرد که اگر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی حقوق ایران را به رسمیت نشناسد، از انجام وظایف خود سر باز خواهد زد و این به معنای خروج از قرارداد منع گسترش سلاح‌های اتمی است.

منبع: نوبی سورشر سائونگه ۳ ژوئیه ۲۰۰۲ (۱۳ تیر ۱۳۸۲)
نویسنده: ویکتور کوخیر